

## دیگراندیشی در تیاتر تاریخ افغانستان!

پیوسته به گذشته بخش هشتاد و هفتم:



محمد امین فروتن



می گویند خانواده ای برای خواستگاری رفته بودند ، مادر داماد روبه عروس کرد پرسید ، می بخشید خانم ! گوگرد دارید ؟ که پسر م یعنی داماد آننده شما یک سگرت بکشد ؟ مادر عروس با تعجب پرسید مگرداماد سیگاری است؟ مادر داماد گفت سیگاری نیست تازه شراب نوشیده و هوس یک سگرت کرده ؛ پرسید یعنی شراب خور هم است ؟ مادر داماد با قیافه حق بجانب گفت : نه بابا ! شما چه می گوئید ؟ پسر م که قمار باخته بود رفت تا شراب بخورد! مادر عروس پرسید یعنی که داماد ما قمار باز هم است ! مادر داماد گفت ، نه والله زندان که بود قمار را یاد گرفته بود ، مادر عروس گفت پس پسر شما به اتهام کدام جنایتی زندانی هم بوده ؛ مادر داماد گفت ؛ نه والله ! هیچکدام ! رفیق دزد اش صاحب خانه را کشته بود ....مادر عروس با عصبانیت سخن باقیمانده مادر داماد را قطع کرد گفت ؛ خجالت هم نه می کشد ! مادر داماد جواب داد نه بخدا ، پسر ناز من در این وقتها فقط هیروئین می کشد .... بلی! حکایت تاریخ معاصر ما نیز شبیه به داستان آن مادرمهربانی است که پسرش در دام حوادث خونینی افتاده بود و هیچگاهی از حوادث درس عبرت نه می گرفت و با گذشت زمان کوتاهی تاریخ را به پایان برده و در دام اعتیاد هیروئین افتاده بود .

<https://www.youtube.com/watch?v=KPCgheQAKWQ>

دور نه میرویم همین چهل و چند سال قبل آنگاه که هنوز جوانه های یک انتقام کورخانودگی از وجود مرحوم سردار محمد داؤد خان یکی از اعضای ارشد خانواده سلطنتی زبانه نه کشیده و عطش انهدام رژیم سلطنتی رابرشانه های از خشونت گرایان نظامی و افسران اردو اشباع نکرده بود ،



پارک معروف زرنگار همچون میدان واتیکان روم میعاد گاه تمامی روشنفکران دگراندیش جامعه در آن مقطعی از تاریخ بود که برای تغییر و اصلاح جامعه فقیر افغانستان نسخه های را با شعار های گوناگون بیان میکردند. طبیعی است که رقابت میان همه دین باوران و یا هم بی باوران به مفاهیم مذهبی در راستای اصلاح عمومی نظام سلطنتی با یک بیان خوب فلسفی و علمی تبلور پیدا میکرد.



### میدان واتیکان که محل تجمع دیگراندیشان و روشنفکران بود.

نباید تعجب کرد که چرا در جامعه فقیر آن زمان افغانستان نیز همانند دیگر جوامع عقب نگهداشته شده جهان روح گفتمان پیشرفت عمومی و فرهنگی جامعه افغانی برنوع نگاه فلسفی نسبت به انسان و کائینات استوار بوده و این گفتمان درحوزه های درسی اکثر احزاب و جنبش های سیاسی و اجتماعی آموزش داده می شد. لهذا باتوجه به این وضعیت عمومی و طبیعی جامعه آن زمان حلقه ها و صفوف مخالفان راستین فکری عرض اندام مینمود، طبیعی است تا آنگاه که روشنفکر جامعه افغانی در دام شبکه های جاسوسی نه افنیده بود منطق و خرد عمومی بحیث ملاک پیشرفت جامعه نامیده می شد.

<https://www.youtube.com/watch?v=4tyv9aI8H00>

اسلم وطنجار از افسران قوای چهار زره دار اعلامیه انهدام رژیم سردار محمد داؤد را از رادیو افغانستان قرائت میکند

البته نباید فراموش کرد که برای یافتن در ست و دقیق ویروس اصلی بحران امروزی نیز که به کالبد فرهنگ تاریخی و سیاسی جامعه افغانی سخت آسیب رسانده است ، ضرورت احیای سرچشمه های هویت فلسفی و تاریخی انسان با بازگشت به خویش ملی و تاریخی آنگاه بر ملا میگردد که بصورت مستمر در اندام و کالبد جامعه افغانی به وجدان عمومی تبدیل شود . زیرا نباید قبل از اینکه سرشت ، هویت ، مشخصات و جوهر خواسته های اصلی **انسان** شناخته و خوب و زشت آنها تفکیک و تعیین گردد ، برای حیات و زندگی تاریخی چنین موجود پیچیده و بغرنج نسخه نوشت . تصویر وجودی انسان و تعریف جایگاهش در جامعه و تاریخ ، همه اموری اند که قبل از صدور حکم و ایدئولوژی و راه هدایت و رستگاری تبیین باید شوند . بدترین و غم انگیز ترین ترژدی که از نبود چنین گفتمان ملی در حوزه انسانشناسی به عنوان یک فرآیند فرهنگی بر نسل تازه ای از ما بر جا گذشته این است که اندیشه های خرافی و در عین حال کشنده ای بر ذهن تک تک از عوام ما سایه افکنده است ، طبیعی است که در چنین وضعیت ناگوار فرهنگی و سیاسی ، جامعه و نسل ما بیمار و مصنوعی به بار می آیند و دامن اندیشه و دین نیز با خرافات آلوده میگردد . اما قبل از اینکه در این قلمرو بیشتر سخن بگوئیم بهتر است که سر فصل های موضوع مورد بحث ما را که در آینده آنرا پیگیری خواهیم کرد بصورت مختصر مطرح نمائیم . اما نخست ضرور است سیلی از خرافات و توهوماتی که از بسیار قدیم با دامن اندیشه های ناب توحیدی و عقلانی گره خورده اند و با اصل جوهر انسان در تاریخ کاملاً متضاد میباشد اشاراتی بنمائیم .

